

# منطقه حفاظت شده و تالاب هامون

و طبیعت پیرامون آن

***MehreMihan.IR***



این تالاب در دوره های مختلف حیات خود دارای تختکها و نیزارهایی بوده که منبع تامین معاش حاشیه نشینان دریاچه هامون و در واقع میتوان گفت برای تمام سیستان بوده است. پوشش گیاهی منطقه شامل پوشش ایرانی - تورانی مشتمل بر گیاهان خشکزی ( گز، تاغ، پده، بیدو ... ) و آبی ( نی، جگن، لوئی، اویارسلام و ... ) بوده و طی سالهای متمادی صدها هزار پرنده مهاجر نیمی از سال را در این تالاب سپری می کرده اند. که از این میان میتوان به گونه های با ارزش درنا، پلیکان خاکستری، عقاب دریایی دم سفید، سنقر تالابی، عقاب تالابی، دلیجه، سارگپه پا بلند، سارگپه معمولی، شاهین و ... اشاره نمود. وجود نیزارها و ماهی بومی ( شیزوتراکس )، شرایط مناسبی برای حاشیه نشینان که از راه دامداری و صیادی و کشاورزی امرار معاش میکردند فراهم می آورده است.

اما اقلیم دگرگون شد، ابرهای باران را واپس نشستند، رودخانه ها و چاه ها فرو خشکیدند، خاک با باد رفت و نیمروز تفتیده روز به روز تشنه تر و گرسنه تر شد. این مسیر رو به قهقرا و تباهی، آیدر انتظار دیگر چشم اندازهای ایران هم هست؟ آیا نباید گمان کنیم سیستان آینه ای است که در آن می توانیم آینده سرزمین را از فرسایش خاک تا جنگل زدایی و از بیابانزایی تا نابودی تنوع زیستی در شمار کشورهای نخست جهان قرارداد؟

این منطقه با دویست و یک هزار و ششصد و دو هکتار وسعت شامل دشت هامون، دریاچه یا تالاب هامون و رودخانه هیرمند می شود. اهمیت این منطقه بیشتر به دلیل زیستگاه انواع حیات وحش، امکان پرورش ماهی، وجود انواع پرندگان و تامین علوفه دام ها از نیزارها و استفاده از نی ها جهت حصیربافی می باشد.

پرندگان و جانوران وحشی این منطقه عبارتند از: پلیکان و فلامینگو، پرندگان مهاجر آبی، تیهو، زنگوله بال، کورکر (با قرقره)، خرگوش، شغال، کفتار، کاراکال، یوزپلنگ، گزار و آهو ... مراتع و نیزارهای اطراف دریاچه اغلب اوقات سرسبز و متراکم هستند و زیبایی خیره کننده ای به این منطقه می بخشند. این اکو سیستم یکی از زیباترین تالاب های ایرانی است. (البته متأسفانه قبل از خشکسالی)



www.koochek-hajeh.blogfa.com

زایل

کوره خواجه





## دریاچه هامون

دریاچه هامون یکی از پدیده های طبیعی ارزشمند و از نظر ملی و بین المللی و در خور توجه ویژه است . ارزش اقتصادی آن از دیرباز شناخته شده است و در طول هزاران سال مردم حاشیه نشین تالاب از برکت و نعمات گیاهان ، پرندگان و آبزیان آن بهره مند شده اند . این منطقه ویژه و منحصر به فرد ، پناهگاه بسیاری از گونه های نادر و در خطر انقراض حیوانی و گیاهانی و حمایت کننده زنجیره های غذایی در پهنه دشت کویر است . علاوه بر ارزش اقتصادی ، ارزش های اکولوژیکی هامون نیز در خور توجه فراوان است. این دریاچه مامن مناسبی برای استقرار آشیانه و تولید مثل انواع مختلف پرندگان و بعضی از مهره داران دیگر است . گونه هایی از ماهی ها برای تخم ریزی ، پوشش گیاهی فشرده درون آب را ترجیح داده و هنگام تولید مثل در چنین مکانهایی تجمع می کنند. همچنین پوشش گیاهی هامون محل مناسبی برای مخفی شدن و در امان ماندن بعضی از پرندگان ، پستانداران و سایر آبزیان از جمله شاهین ها ، عقاب ها و باکلان ها است. پوشش زیر آب دریاچه نیز همراه با نیزارهای آن در تامین نیازهای حیات وحش نقش اساسی دارند . دریاچه هامون برای بعضی از موجودات زیستگاه دائمی و برای تعدادی دیگر سکونتگاه موقتی و محل گذر و تغذیه محسوب می شود .

تاکنون بیش از 183 گونه پرنده در دریاچه هامون مشاهده شده است تقسیم بندی این تعداد پرنده در قالب 51 خانواده تنوع کم نظیر انواع پرندگان در این منطقه را نشان می دهد . البته اهمیت پرندگان منطقه حفاظت شده تالاب هامون از جنبه های ملی و بین المللی در خور توجه بوده و سازمان بن المللی حیات پرندگان این تالاب را زیستگاه با اهمیت پرندگان معرفی کرده است.

چه بر سر هامون آمده است؟

سیستان زمانی انبار غله ایران بود، اما اکنون بادهای 120 روزه، قد کشیده اند و تا 160 روز در سیستان ادامه دارند. قطع آب این

رودخانه و خشک شدن دریاچه هامون به سبب قطع آب هیرمند توسط افغانستان موجب افزایش بادهای 120 روزه و حرکت شن‌های روان گرد و غبار شده است و تاکنون خسارات زیادی به بخشهای مختلف وارد کرده است.

از حدود 11 سال پیش تاکنون به دلیل قطع آب رودخانه هیرمند و خشک شدن بستر دریاچه هامون با بحران خشکسالی روبرو شده است و منطقه‌ای که در گذشته به انبار غله ایران معروف بود اکنون با از بین رفتن کشاورزی، دامپروری و صید و صیادی دست به گریبان است.

متوسط بارندگی دنیا 750 میلی متر در سال است که این میزان در ایران حدود 250 میلی متر و در سیستان در شرایط معمولی 59 میلی متر است.

حیات سیستان به رودخانه هیرمند که از افغانستان سرچشمه می‌گیرد وابسته است. آب این رودخانه به سوی ایران به علت جنگ و بی‌ثباتی این کشور چندین دوره قطع و باعث ایجاد خشکسالی‌های شدید شده است. که آثار زیان بار اقتصادی و اجتماعی فراوانی را برای این منطقه در پی داشته است. با ادامه این شرایط، اثری از نيزارهای تالاب هامون به جای نخواهد ماند و این معضل با تبعات زیان بار فراوانی این منطقه را همچنان تهدید می‌کند.

با پدیده خشکسالی در منطقه سیستان که سرمنشا آن افغانستان است، نه تنها مشکلات اقتصادی دامنگیر منطقه شده بلکه معضلات بهداشتی و زیست محیطی نیز بسیاری از ساکنان این استان را با مشکل رو به رو کرده است.

کارشناسان و برخی مسئولان بر این باورند که اگر دولت افغانستان با جمهوری اسلامی ایران همکاری کند بسیاری از این مشکلات حل خواهد شد و نه تنها مردم سیستان و بلوچستان بلکه ساکنان استان‌های همجوار دو کشور همسایه افغانستان و پاکستان نیز از فقر و محرومیت خارج می‌شوند زیرا بیش از 90 درصد مایحتاج و نیازمندی‌های مردم این دو کشور بخصوص استان‌های همجوار از این منطقه تامین می‌شود.

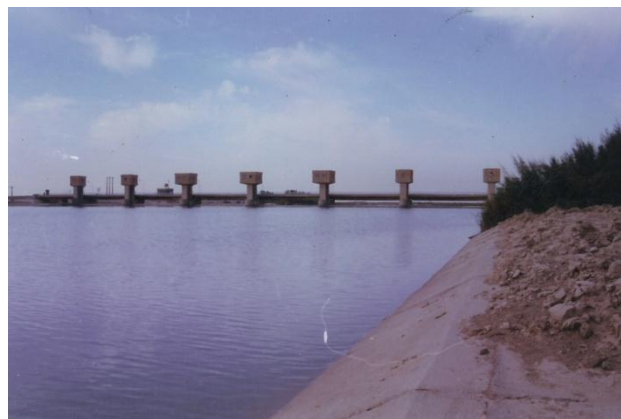


بعد از خشکسالی

کوه خواجه قبل از خشکسالی  
koohekhajeh.blogfa.com



رودخانه سیستان امروز



رودخانه سیستان دیروز



دریاچه هامون امروز

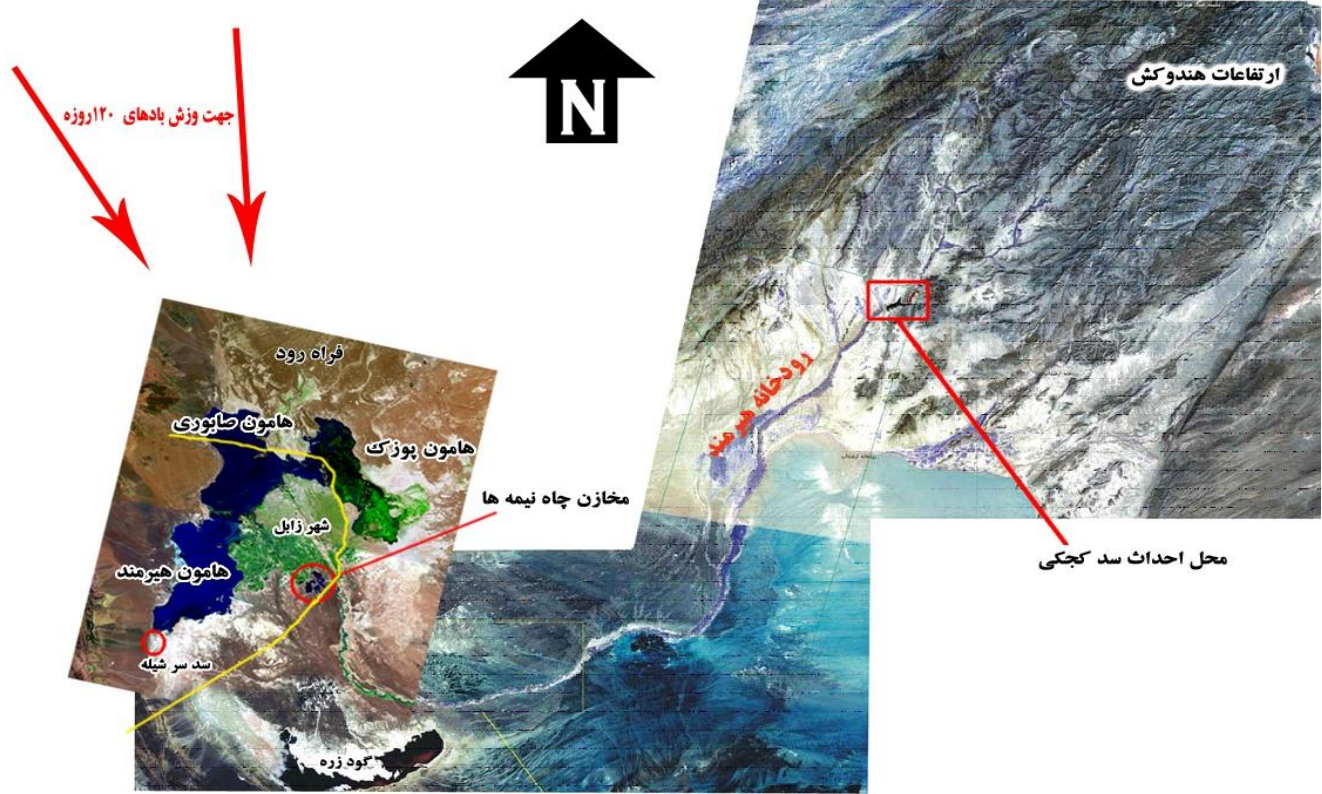


دریاچه هامون دیروز









## Sistan Oasis Parched by Drought



### Unique Ecosystem

An ancient seat of civilization, Sistan lies in a large depression divided between Afghanistan and Iran. In the centre of this closed basin lies a historic riverine oasis nourished by the Helmand, one of Afghanistan's major rivers rising in the western Hindu Kush. Remarkably, although the river empties in an extremely arid evaporation pan, it sustains a vast and predominantly freshwater wetland complex, the Hamoun. Reaching their greatest extent with spring floods, these wetlands cover an area ranging from 2,000-4,000 km<sup>2</sup>.



Characteristic reed boats, called "tawans", are the traditional means of transport in the wild expanses of the Hamoun. The wetlands play an important role in the economy of the local inhabitants, providing them with rich grounds for hunting and fishing.

The wetlands harbour over 100 species of birds and are an extremely important haven for hundreds of thousands of migratory waterfowl, notably ducks, flamingos, herons, pelicans and shorebirds. More than a third of the Iranian part has been designated as an internationally protected area under the Ramsar Convention on Wetlands, but no land has been set aside for conservation in the Afghan portion.

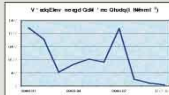


### Severe Drought

Rainfall variability in the Hindu Kush means that flooding in the Helmand alternates with droughts, which may cause entire lagoons to dry up. This occurred several times in the past century, when only the uppermost of the lakes remained flooded. Reflecting a dramatic decrease in precipitation, Landsat satellite imagery showed the snow-covered area in the Helmand basin to have decreased by almost two-thirds, from 41,000 km<sup>2</sup> in 1998 to 26,000 km<sup>2</sup> in 2006. By 2001, Iran and Afghanistan were experiencing for the third consecutive year an extreme drought that was so severe that the Hamoun dried out completely.



In 2001, the Helmand River at the Afghanistan-Iran border ran dry, falling by 85% from its annual average.



1976 - Winding through the Margh desert, the Helmand forms a dendritic delta and dissipates in a series of lagoons or "hamouns". Numerous seasonal rivers also converge in the closed basin. Water flows in a circular fashion through a series of lakes starting with Hamoun-e-Puzak in the northwest sweeping into Hamoun-e-Sabri and finally overflowing into Hamoun-e-Helmand in the southeast. Dense reed beds appear as dark red, while tamarisk thickets fringing the margins of the upper lakes shows up as pink. Prepared bright red patches represent irrigated agriculture, mainly wheat and barley. The lakes flood to an average depth of half a metre denoted by lighter shades of blue, while dark blue to black indicates deeper waters not exceeding four metres. Landsat MSS false colour composite (bands 4,2,1).

### Devastating Impacts

Sistan's population, swelled by refugees from war-torn Afghanistan, has been severely affected by water shortages. Irrigation channels have run dry and agriculture has come to a standstill. Many villages have been abandoned as people migrate in search for water. Sand dunes blowing off from the dried lakebed have submerged nearly 100 villages beneath

dunes in a landscape reminiscent of the Aral Sea disaster.

Wildlife has shrivelled under the heat. A thriving fishery with an annual catch of around 12,000 tons has been wiped out. Migratory birds no longer stop for lack of refuge and livestock herds have been decimated.



2001 - Hamoun wetlands ravaged as Central and South Asia were hit between 1999 and 2001 by the largest persistent drought anywhere in the world. The only sign of water in this scorched landscape of extensive salt flats (white) is the Chah Nimch reservoir in the center right of the image, which is now only used for drinking water. Degraded reed stands in sandy soil are visible as dark red in the southern end of Hamoun-e-Puzak. Landsat 7 ETM+ false colour composite (bands 4,2,2).



Trucks ferry in water to Afghan drought-stricken communities.



Children help with water collection at distribution points in an overall context of deteriorating public health.

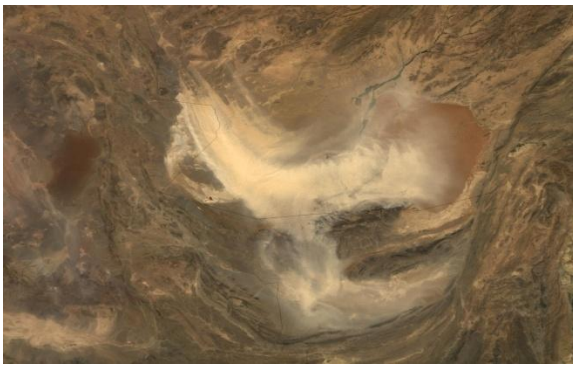
بازگشایی سدخاکی مرز ایران و افغانستان



کوه خواجه و دریاچه هامون



تصاویر ماهواره ای طوفان گردوغبار سیستان



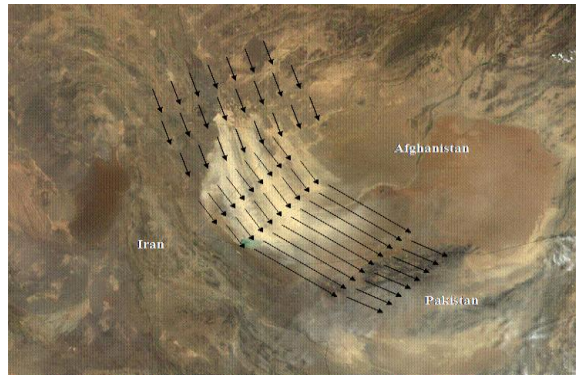
مرز ایران-افغانستان



آثار خشکسالی



جهت وزش بادهای 120 روزه همراه گردوغبار





## رونق کشاورزی-دامداری-صیادی و اقتصادی سیستان بواسطه هامون

منطقه وسیع و باستانی سیستان به عنوان بزرگترین قطب کشاورزی در مقیاس ملی در منطقه شرق و جنوب شرق کشور از اهمیت اقتصادی بی نظیری برخوردار است. بنا بر مستندات تاریخی، سیستان از حیث اراضی و مزارع سرآمد زمینهای روی زمین است به نحوی که از یک تخم 500 الی 1000 تخم برداشت مکرر از زمینها دیده شده است و عنوان پر افتخار انبار غله آسیا و سبد نان خراسان بر تارک این مهد تمدن کهن ایران زمین می درخشد. سکستان دوره قبل از اسلام و سیستان عصر اسلامی به خاطر سرسبزی و کشاورزی پیشرفته در طول تاریخ به نامهای دره نیل، مصر ثانی، انبار غله آسیا و سرزمین توانگران معروف بوده است. تمام کتابهای تاریخی و سفرنامه های جهانگردان سخن از رونق اقتصادی و اجتماعی سیستان دارند به طوری که رونق اقتصادی سیستان در قرن دوم و سوم (ه.ق) به گونه ای بوده است که یعقوب لیث برای مردم آسیب پذیر نوعی بیمه اجتماعی در نظر

گرفته بود و هر که از پانصد درهم وسعت مالی کمتر داشت از او خراج نمی گرفت و او را صدقه می داد. تاریخ سیستان می گوید: اندر ولایت خویش هر که را کم از پانصد درهم بودی از او خراج نستندی و او را صدقه دادی.





10

[www.koohekhajeh.blogfa.com](http://www.koohekhajeh.blogfa.com)



[www.koohekhajeh.blogfa.com](http://www.koohekhajeh.blogfa.com)

کوه خواجه





اصطخری جغرافیانویس مشهور می نویسد «سیستان ولایتی پر نعمت است و خرما بسیار دارد و مردمان سیستان بیشتر مردمان توانگر می باشند و از بیابانی که میان سیستان و مکران است غله بسیار خیزد).



شکل ۱۰. سیستان. روزگاری انبار غله ایران بود



شکوفایی اقتصاد سیستان در هنگام فتح توسط اعراب به اندازه ای بود که فقط مالیات شهر زرنج یک میلیون سکه طلا در سال می شد. آقای پرفسور توژی باستان شناس معروف ایتالیایی در مورد عظمت و پیشرفته بودن تمدن کهن سیستان می گوید:

«عظمت آثار شهر سوخته نباید این پندار را به وجود آورد که پیدایش و شکوفایی این تمدن برخلاف زمان حال، در موقعیت طبیعی مناسبی بوده است. آب و هوا در گذشته و حال تغییر اساسی ننموده و میزان آب هیرمند نیز در طول این مدت ثابت بوده است. ولی در حقیقت باید گفت این تمدن عظیم و پیشرفته در هزاران سال قبل حاصل کار انسانها بوده و بدون مسلم بدون صرف میلیونها ساعت کار برای حفر کانالهای عظیم آبیاری و کار دسته جمعی



در زمینه تولیدات کشاورزی امکان بوجود آوردن این تمدن و امکان تمرکز هزاران نفر در یک محل، در حدود چهار هزار سال را فراهم نمی آورده است.»

شاخص های اقتصادی گذشته تمدن بی نظیر سیستان

- قدیمی ترین نشانه های رونق اقتصادی سیستان در شهر سوخته از هزاره های سوم و چهارم قبل از میلاد شناسایی شده است. شهر سوخته که بزرگترین استقرار شهر نشینی در نیمه شرقی فلات ایران بوده و در دوران اوج خود با تقسیم کار و تولید انبوه (پس از ورود مواد اولیه) با اقصی نقاط فلات ایران در ارتباط بوده است(به عنوان مثال می توان از لاجوردی که در این محل پرداخته شده اشاره نمود که در بین النهرین شناسایی گردیده)

- بنا به گفته هرودت مالیات سیستان در دوران هخامنشی پس از مصر و میان رودان پاکستان در رتبه سوم قرار گرفته و مابقی استانهای هخامنشی بسیار پایین تر از سیستان هستند که این موضوع بیانگر رونق اقتصادی سیستان در این دوره می باشد. اعطاء لقب یاریگر به مردم سیستان توسط بزرگترین امپراتور وقت جهان و بنیانگذار امپراتوری ایرانیان یعنی کوروش بزرگ بیانگر اهمیت اقتصادی - سیاسی و فرهنگی سیستان می باشد.

در دوره سامانی دو نقطه از ایران به رشد شهر نشینی رسیدند که از چشم تاریخ دور نماند و آن دو سیستان و خوزستان بودند.

توجه به این نکته ضروری است که توسعه شهر نشینی بدون توسعه اقتصادی - اجتماعی امکان پذیر نمی باشد. تاملی در واژه هیرمند یا هتومنت به معنای (جایگاه سد) ریشه تاریخی دانش سد سازی در سیستان را به دوران اشکانی و ساسانی میرساند و اهمیت کشاورزی در این دوره را نشان می دهد. با توجه به این که در دوره ساسانی چندین سد در سیستان شناسایی شده اند می توان گفت که این دوره (دوره ساسانیان) سیستان از مناطق سبز و خرم بود.

- وجود تنوع در کشاورزی سیستان از کشت نیشکر تا کشت حنا و انواع میوه ها که همه ساله صادر گردیده اند.

- شکوفایی اقتصاد سیستان در هنگام فتح توسط اعراب به اندازه های بود که فقط مالیات شهر زرنج یک میلیون سکه طلا در سال بوده است.

- اهمیت سیستان در دستگاه خلافت بقدری زیاد بود که روزی لیث بن توسل در ازای خدمتی از زبان هارون خلیفه شنید که فعلاً حکومت مصر را به تو می دهم و اگر در آنجا درست خدمت کردی باز تو را به سیستان می فرستم تا کارت بالا بگیرد.

به نقل از کتاب تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعراء بهار : و دیگر شهری است بذات خویش قائم که به هیچ شهری محتاج نیست که اگر کاروان گسسته گردد هیچ چیز از نعمتهای الوان و جامهای بزرگوار و آنچه ملوک را و اهل مروت را باید، هم اندر آن شهر یافت می شود که به جای دیگر حاجتی نیابد و به زیادت باشد و زمستان میوه تر باشد همچنان که تابستان و سال تا سال نیکو و همه ساله بره شیر مست یافت شود و ماهی تازه به همه اوقات که ایزد تعالی آن را اندر کتاب خود ستوده است.

- اصطخری جغرافیانویس مشهور سیستان را به این گونه معرفی می نماید (سیستان ولایتی پر نعمت است و خرما بسیار دارد و مردمان سیستان بیشتر مردمان توانگر باشند و از بیابانی که میان سیستان و مکران است غله بسیار خیزد.

- از این جمله می توان دریافت که بدون شک توانگری مردم سیستان محصول توانگری زمین سیستان و سیستم آبیاری پیشرفته و بالاخره محصول زحمات و پشتکار انسانهای نیرومند و قویدل آن زمان بوده است.

- محمد ابراهیم خدابنده لو که ظاهراً در یکی از سالهای 1275-1285 هجری قمری به سیستان سفر کرده است ضمن گزارش خراسان و سیستان خود می نویسد: شهر سیستان از حیث اراضی و مزارع سر آمد روی زمین است به نحوی که از یک تخم 500 الی 1000 تخم برداشت مکرر از زمینها دیده شده است.

- روایت از سلیمان پیغمبر هنگام حضور در سیستان می فرماید: از چند جایی که رفتیم اینجا خوشتر است و امروز جهان بر عدل است و جور نیست

هولدیچ نیز می نویسد (سیستان در پارینه انبار گندم آسیا بود که ممکن است هم دیگر باره چنین شود در صورتی که طرز آبیاری بسیار عالی آن را که در قدیم معمول بود بر سر کار آورند).

- این خوقل در صوره الارض از فراوانی گندم و آسیابهای بادی در سیستان سخن به میان می آورد و می گوید که این نوع آسیابها مخصوص بلاد سیستان است و در همین راستا این اثر می گوید: (سیستان ناحیتی آباد و پر است از خوردنیها) چنانکه مقدسی در احسن التقاسیم نوشته است که: (سیستان از آبادانی چنان است که گویی بر کاغذی نقاشی کرده اند).

همچنین، مقدسی وقتی می خواهد شایستگی های کازرون را بیان کند آن را سیستان ناشناخته می نامد و (زی) در آخر نام سکزی را دلیل بر هوشیاری دارندگان این نام می داند و مردم سیستان را بزرگوارترین مردم جهان اسلام میداند و چون می خواهد سخن از آبادانی و سرسزی خوارزم گوید آن را به سیستان شبیه می کند.

به قول ابن خردادیه: «پول طلایی دینار بود که هر دینار (4/25) طلا داشت و پول نقره درهم بود که هر درهم (2/97) نقره داشت و در مالیات جنسی، کیلی معمول بود بنام کز(به ضم اول) معادل شش خروار و این سیستم تعاملی در زمانهای قبل از اسلام نیز در سیستان رایج بود.

یعقوب لیث دلاور نیز در مورد آبادانی سیستان چنین عنوان می نماید: (خاک سیستان ته نشست همین رودخانه هاست و به همین جهت بسیار حاصلخیز و از نوع خاک دره فراست و دجله و نیل و سایر دره های آباد است و این خاکی است که یکی از قدیمی ترین تمدنها را در خود پرورانده است.

سیستان در عهد صفویه به انبار گندم ایران معروف بود زیرا در سال 997 ه.ش در زمان سلطنت شاه عباسی اول، سیستان به داد خراسان رسید به این گونه که (برای رفع کمبود هزار تومان زر از دیوان اعلی نزد ملک الملوک و کلانتر سیستان آمد که نواب کامیاب از کل ممالک خراسان غله ایتباع می نماید و هشت هزار خروار غله از سیستان ایتباع می نماید) ناحیه های باستانی حوضدار و رامرود به گواهی اعیان الملوک تا عهد صفویه نیز آباد بوده و گویا این منطقه از اوایل دوران قاجاریه به ویرانی گراییده است.

تیمور لنگ در کتاب (منم تیمور جهانگشا) از سیستان چنین یاد میکند: در زابلستان من نواده های عده ای از پهلوانان را که در اشعار فردوسی از آنها نام برده شده است دیدم و با آنها صحبت کردم وقتی من قامت بلند مردان روستایی را می دیدم و گاوهای ستبر آنها را از نظر می گذرانیدم و می شنیدم که با زبان فارسی صحبت می کنند یقین حاصل نمودم که آنجا زادگاه رستم است. فردوسی در اشعار خود از یک رستم نام برده و من در زابلستان هزارها رستم را دیدم.

از چیزهایی که باعث حیرت من شد این بود که فهمیدم در زابلستان می توان در سال سه محصول برداشت. زیرا هوا گرم و آب فراوان است ولی آنقدر زمین حاصلخیز میباشد که سکنه زابلستان به دو محصول و در بعضی از سالها به یک محصول اکتفا می نمایند و احتیاج ندارند دو محصول بردارند.

به هر حال اکثر جهانگردان و سیاحانی که از سیستان دیدن کرده اند تاکید بر آبادانی حاصلخیزی و انبار غله بودن آن داشته اند چنانچه ساکنین در سفرنامه خود می نویسند (سیستان مصر کوچک و به منزله انبار غله مناطق مجاور خود است اما در واقع می توان گفت که مغول بساط مدنیت را از سیستان برچید و بندهای هیرمند را ویران کرد و کشتزارها و خرمنها و آسیابهای بادی سوخته را از خود به جای گذاشت. و در ادامه نیز آخرین مرحله از افول تمدن کهن سیستان در زمان قاجار اتفاق می افتد و استعمارگران انگلیسی در تفرقه بین مذاهب اسلامی بسیار برنامه ریزی شده عمل کردند.

که همه این رونق بواسطه هامون وهیرمند بوده است.

این زیست بوم یکی از تالابهای زیبای ایران است. زیست بوم هامون در زمان پرآبی بینظیر است و دوام آن همیشه به رودخانه هیرمند بستگی دارد . محیط تالاب هامون زمینه بسیار مناسب و مساعدی را برای ایجاد و گسترش رویشهای گیاهی در زمان پرآبی فراهم کرده است .

در سالهایی که آب کافی وجود دارد و دریاچه پر آب است ، در اثر وزش بادهای موسمی و شدید ، آب این دریاچه که در این حالت دارای کیفیت مناسبی نیز هست در اراضی مسطح دشت سیستان پیشروی نموده و مراتع حاشیه

دریاچه را آبیاری می نماید . پس از عقب نشینی مراتع تا حدودی غنی و سرسبز باقی مانده و منبع اصلی تغذیه هزاران راس دام سیستان می باشد . بعلاوه در مواقع پرابی دریاچه ، آب مازاد آن ضمن تخریب فراوانی که ببار می آورد در کانال آبرو شیله که در قسمت جنوب غربی دریاچه قرار دارد جریان یافته و به طرف افغانستان بر می گردد و نهایتاً در محلی بنام گودزره در شنزارها فرو می رود .

در حقیقت هامون و ماندابهای وابسته به آن بزرگترین حوضه دریاچه ای پس از دریاچه ارومیه در شرق ایران است که قسمت اعظم آبهای افغانستان را به سمت خود جذب می کند و کف آن پوشیده از رسوبات رودخانه ای و دریاچه ای است .

بر اساس مطالعات و تحقیقهای انجام شده ، تا کنون 21 گونه گیاه آبی در قالب 10 خانواده در تالاب هامون شناسایی شده است که برخی از آنها را می توان شامل گیاهان شنارو ، غوطه ور و نیز گیاهان آب دوست حاشیه تالاب نام برد . گیاه نی یکی از گونه های مهم اقتصادی منطقه سیستان است و مورد مصرف دامهاست و یکی از اجزای مهم زنده و پویای زیست بوم تالاب هامون محسوب می شود و تغییر در میزان فراوانی آن آثار مستقیمی در حیات تالاب بر جای می گذارد.

قطع جریان رود مرزی هیرمند به ایران و بروز پدیده خشکسالی باعث شد تا نقش مضاعف این تالاب بین المللی در چرخه اقتصاد مردم سیستان و بعد زیست محیطی آن کم رنگ شود . بخشی از آب دریاچه هامون نیز از رودخانه سیستان و بخشی دیگر هم از رودخانه های فصل و انشعابات فرعی هیرمند تامین می شود. واقع شدن بخشی از تالاب هامون در افغانستان نیاز هر چه بیشتر به حق آب این منبع حیاتی را دو چندان کرده است .

تالاب هامون یکی از هفت تالابی است که در فهرست تالابهای بحرانی « عهدنامه رامسر » ثبت شده است .

اکنون با قطع جریان آب هیرمند به مرز ایران و کمبود نزولات آسمانی و در نهایت خشکیدن بخشهایی از هامون باعث شده است که مهاجرت پرندگان به این دریاچه کاهش یابد . با توجه به ارزشهای حیاتی تالاب هامون برای

ایران و افغانستان تعیین حق آب اختصاصی برای این تالاب را ضروری می نماید . هامون با استان نیمروز افغانستان 314 کیلومتر مرز مشترک دارد .

### کار و پیشه مردم حاشیه نشین هامون

در حاشیه هامون جمعیت قابل توجهی به صیادی مشغول هستند و از طرف دیگر چون هامون در زمان پیشروی خود زمینها را سیراب و بارور می سازد ، لذا پسروی آب ، پوشش گیاهی قابل توجهی بر جای می گذارد که این پوشش گیاهی خود باعث رونق پیشه دوم مردم نیز می شود و آن دامداری است ، در واقع دامداری یکی از دو فعالیت اصلی ساکنین این منطقه را تشکیل می دهد . اما فاقد خصوصیات دامداری نوین بوده و ویژگی های اقتصاد کهن شبانی از سیمای آن اشکار می شود و به شیوه ای بسیار ابتدایی و کهنه انجام می گیرد و به همین سبب درمقابل حوادث طبیعی ( سرمای شدید ، خشکسالی ، بی آبی ، طوفانها ) تاب مقاومت نیاورده و تاحدی از هم متلاشی و باعث اتلاف و نابودی تلاش و کوششها شده ، خسارت مالی و جانی فراوانی بر آنها تحمیل می شود.

### صیادان اطراف حاشیه هامون بر دو دسته اند : صیادان حرفه ای و صیادان گاو دار

صیادان حرفه ای با ابزاری نظیر تور زیر آبی و استقرار آن در دریاچه از پرندگان آبی که به دام میافتند ارتزاق می کنند و برای این کار گاهی 2 تا 3 روز نیز در دریاچه به سر می برند . از طرف دیگر از ماهیان دریاچه نیز صید نموده و نیازهای زیستی خود را از طریق فروش مرغ و ماهی فراهم می نمایند . صیادان با استقرار تور ماهیگیری در دریاچه ، مقدار قابل توجهی ماهی صید کرده و آنها را به گیسک بسته و به توتنها می ریزند .

ابزار دیگری که در صید بکار گرفته می شود ، مویک است که در فصل پاییز بیشتر جهت صید ماهی بکار می رود . صیادان گاودار گروه دیگری از مردم این خطه هستند که ضمن گاوداری به ماهیگیری نیز می پردازند یعنی ضمن نی بری از نیزارهای دریاچه و حمل آنها به وسیله توتن و تهیه علوفه برای گاوهای خود در آب به صیدنیز

میپردازند. زندگی صیادان گودار که با اتکا به نیزار دریاچه هامون به گاوداری مشغول هستند در بهار و تابستان به جز تغییر بسیار کم تفاوت چندانی ندارد. معمولاً از صبح تا ظهر به طرف نیزارها رفته و به نی ریزی مشغول شده و تا ظهر به اینکار سرگرم اند. در این مدت با پهن کردن تور در دریاچه مقداری نیز ماهی صید می کنند.

دامهای سیستان از مراتع اطراف دریاچه هامون و یا به طور دستی تغذیه می شوند.

دامداری در دشت سیستان سنتی بوده و سالیان دراز در سایه عوامل ناسازگار طبیعی، خشکسالی ها شیوع بیماری ها و سایر بلایا به حیات خود ادامه می دهد، دامداران این منطقه را می توان در سه گروه جای داد.

- دامداران روستایی، هر خانوار روستایی کشاورز تعدادی گوسفند و بز و چند راس گاو شیری نگهداری مینماید. تغذیه دامها از طریق چرای نباتات زراعی صورت می گیرد.

- دامداری عشایری: در این شیوه دامداری عشایر دامهای خود را بیشتر ایام سال در اطراف دریاچه هامون تعلیف نموده و سه ماه از سال را نیز به طرف قاین و خاش کوچ می نمایند.

- گاوداری اطراف دریاچه هامون: معیشت بعضی از خانواده ها بر روی گاوداری متمرکز شده و سرتاسر سال را در اطراف دریاچه هامون بسر برده و دامهای خود را از نیزارهای دریاچه تغذیه می نمایند.

## گاو سیستان



گاو سیستان گاو نیمه وحشی از تیره گاو زبو (بوس ایند کوس) می باشد . این گاو سالها و حتی قرن ها در منطقه سیستان به حیات خود ادامه داده است به نحوی که آثار به دست آمده از حفاری ها و اکتشافات باستانی در شهر سوخته نشان می دهد که 2500 سال قبل از میلاد مسیح در این منطقه گاو سیستانی زیست می کرده است. موسسه تحقیقات علوم دامی کشور در مدت 10 سالبر روی بیش از 600 راس گاو و گوساله سیستانی مطالعه و بررسی کرده است . بعضی از خصوصیات این نژاد مورد شناسایی قرار گرفته است . اگر چه مشخص شده است بدلیل عدم اصلاح و نوع نگهداری آن هنوز خصوصیات نیمه وحشی در این نژاد مشهود است ولی خصوصیاتیمانند مقاومت به بیماری ها و تغییرات جوی و نیز کم توقعی این نژاد در کنار قابلیت پروار بندی در این نژاد قابل توجه می



باشد. با توجه به خشکسالی مداوم 11 سال و خروجی روبه گاوهای سیستانی برای پرواربندی به مناطق دیگر خطر انقراض این نژاد بومی و مستعد کشور وجود دارد. لذا به نظر می رسد برای حفظ این نژاد به عنوان یک میراث ملیو نیز استفاده مطلوب از توانایی های بالقوه برای بهبود وضع معیشت مردم منطقه لازماست کار تحقیقاتی و پژوهشی هدفمندانه روی این نژاد بصورت متمرکز و با برنامه ریزیکوتاه مدت و بلند مدت پیگیری شود. آنچه قدر مسلم است اینست که: نژادسیستانی برترین نژاد گاوگوشتی ایران می باشد که خصوصیات عالی لاشه، افزایش وزن، مقاومت به بیماری ها و کمبودهای تغذیه ای و تحمل بالای آن در مقابل نوسانات شدید جوی به اثبات رسیده است و اگر نیک بنگریم تولید شیر آن نیز از دیگر نژادهای ایرانی افزونتر میباشد. این ذخیره ژنی ارزشمند و ذیقیمت که توسط نیاکان ما حفظ و گسترش داده شده و طی هزاره هادراین بخش از سرزمین ما بقا حاصل نموده است و در فرایند انتخاب طبیعی و بهگزینی هایستی دامداران در کرانه های هامون با این فنوتیپ و ژنوتیپ منحصر بفرد در اختیار ماقرار گرفته است را چگونه گسترش و استفاده نماییم اکنون چند پرسش رامطرح میکنیم:

وضعیت جمعیتی این ذخیره ژنی چگونه است آیا روبه کاستی است یا افزونی؟

در سالهای منتهی به سال 84-85 تعداد 100000 راس (صد هزار راس) اعلام شده آیا میدانید دیگر صدای نفسها و سوس این نژاد بر کرانه های هامون دیگر شنفته نمیشود.

آیا اندیشیده اید اگر روند کاهش این دام اینگونه ادامه یابد می بایست در آینده ای نهچندان دور آن را در موزه ها یا شاید در سفالینه های شهر سوخته جستجو کنیم.





## پیکره گاو کوهاندار پیدا شده شهر سوخته



## پرندگان بومی و مهاجر تالاب و دریاچه هامون

دریاچه آب شیرین هامون و تالاب آندر زمان پرآبی پذیرای هزاران پرنده ایست که از نواحی سردسیری از جمله سیبری به این مکان مهاجرت میکردند و در سایر فصول سال نیز زیستگاه پرندگان بومی منطقه بود. به طور کلی می توان گفت که فعالیت روزمره زمستانی مردم، شکار پرندگان به وسیله اسلحه های سرپر و صید ماهی است.

اکثر ساکنان پیرامون هامون از راه شکار و صید پرنده و همچنین ماهی امرارمعاش میکردند بطوریکه بیشتر مردم

حاشیه هامون نام خانوادگی صیاد یا صیادی را انتخاب کرده اند. اما با خشکسالی سالهای اخیر نشانی از این

اکوسیستم نیست.

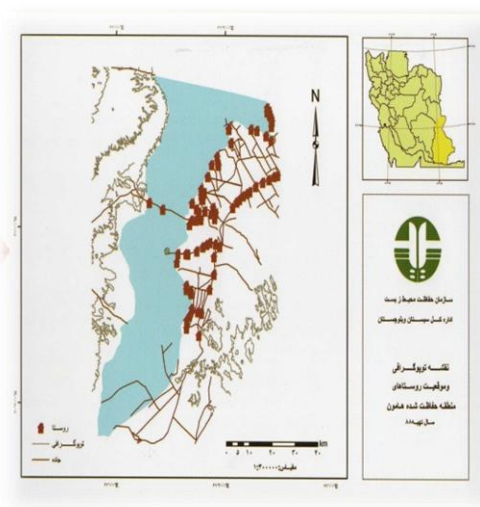
در زیر نام تعدادی از پرندگان ذکر میشوند:

تلفظ	نام بومی	نام علمی
souzgardan	سوزگردن	کلهسبز
kamcheh	کمچه	نوک پهن
rouvic	روویک	خوتکا
narou	نرو	باکلان
charou	چرو	آنقوت
kalamargh	کله مرغ	تنجه
sikhdem	سیخ دم	فیلوش
shenak	شنک	بحری
basha	باشه	شاهین
garag	گراغ	کلاغ
Tisk	تیسک	دم جنبانک
Chortak	چرتک	جنبان
balghi	بلغی	اردکسرحنائی
Chorcash	چورکش	گیلار
mou	مو	اردکمرمری
Kharchoushk	خرچوشک	گیلان‌شاه
Choushk	چوشک	آب چلیک
Choushkalghadem	چوشک الفه دم	گیلان‌شاه بالسفید
Sirpova	سیرپووک	چوپا
Taghalak	تغلاک	خروس کولیسفید
Seabalak	سیه بالک	خروس کولی
baza	بزک	اکراس
baghak	باغک	بوتیمار
sormakah	سرمکه	کشیم گردن سیاه
nimalak	نیملک	کشیم کوچک
elyasak	الیاسک	کشیم بزرگ

shenak	شنک	سنقور گندم زار
choghor	چغور	کوکر
sousou	سوسو	لیکو
kemalak	کملک	چکاوک کاکلی
choponemaskhara	چوپون مسخره	چکاوکهدهدی
shonasar	شونه سر	هدهد
chrik	چریک	چکاوکآسمانی
toghdari	طوقدری	هوبره
baat	بط	عروس غاز
arab	عرب	فلامینگو
mademak	مدمک	چنگرنوک سرخ
kaftarak	کفتراک	کاکائیسرسیاه
zabou	زبو	کاکائی دریایخزر
laki	لکی	کاکائی بزرگ
chashk	چاشک	کفچه نوک
jighak	جیغک	پرستودریائی
khormakhorak	خرماخورک	میوه خور
niborak	نی بورک	سسک پرصدا
lagoborak	لگوبورک	شبگرد
khosar	خوسر	اردک تاجدار
lashkari	لشگری	اردک دم دراز
khorosak	خروسک	سیاه خروس
jingjingak	جینگ جینگک	ماهیخور کوچک
lashekhor	لاشه خور	دال
bashedemsefe	باشه دم سفه	کرکس
sarak	سارک	سار
sor	سور	سبزقبا
chor	چور	چنگر
lago	لگو	حواصیل

komo	کمو	پلیکان
pour	پور	دراج
choghok	چغک	گنجشک
palpalasi	پلپلاسی	پرستو
karrak	کرک	بلدرچین
keleng	کلنگ	درنا
bostouni	بستونی	طاووسک
boum	بوم	بوف
baza	بزک	اکراس
baghak	باغک	بوتیمار
sormakah	سرمکه	کشیم گردن سیاه
nimalak	نیملک	کشیم کوچک
elyasak	الیاسک	کشیم بزرگ
shenak	شنک	سنقور گندم زار
choghor	چغور	کوکر
sousou	سوسو	لیکو
kemalak	کملک	چکاوک کاکلی
choponemaskhara	چوپون مسخره	چکاوکهدهدی
shonasar	شونه سر	هدهد
chrik	چریک	چکاوکآسمانی
toghdari	طوقدری	هوبره
baat	بط	عروس غاز
arab	عرب	فلامینگو
mademak	مدمک	چنگرنوک سرخ
kaftarak	کفترک	کاکائیسر سیاه
zabou	زبو	کاکائی دریایخزر
laki	لکی	کاکائی بزرگ
chashk	چاشک	کفچه نوک
jighak	جیغک	پرستودریائی

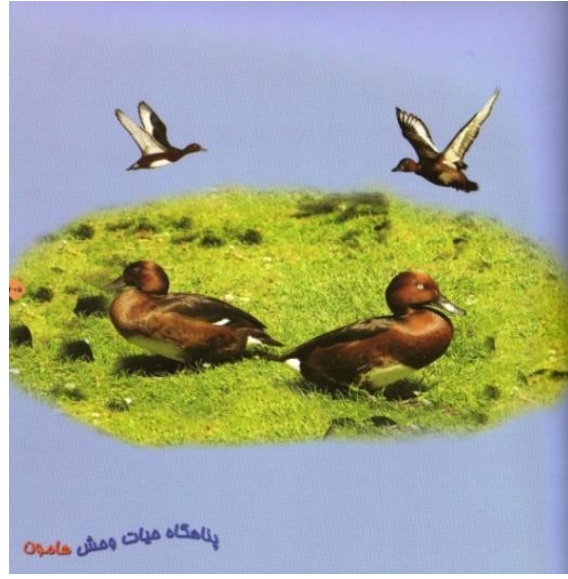
khormakhorak	خرماخورک	میوه خور
niborak	نی بورک	سسک پرسیدا
lagoborak	لگوبورک	شبگرد
khosar	خوسر	اردک تاجدار



منطقه حفاظت شده هامون









سایر فعالیتهای معیشتی مردم سیستان حاشیه هامون عبارتند از : قالیافی ، پستی و گلیم بافی ، خورجین بافی ، پرده بافی که جزو صنایع دستی مردم سیستان بوده و در اقتصاد منطقه جای ویژه ای داشته و بیشتر در روستاها رواج دارد و در جوار سایر فعالیتهای روزمره زندگی روستایی توسط زنان انجام می گیرد . محصولات تولید شده به قیمت بسیار نازلی از این زحمتشکان و محرومین کشور توسط بازاریها خریداری شده و به قیمت گزافی به فروش می رسد .

نواحی بنجار ، کرباسک ، ده مرده ، ده بزی ، دوست محمد ، شهرکی و نارویی از نواحی عمده پستی بافی منطقه بشمار می آیند . حصیر و پرده بافی نیز از فعالیتهایی است که در جوار کار روزمره در مواقع مناسب سال در روستاها

اطراف و حاشیه هامون وجود دارد و حتی روستاهایی یافت می شود که تنها از راه پرداختن به این حرفه روزگار می گذرانند . محصول آنها پرده هایی است که از نوعی نی که در محل به لوخ معروف است بافته می شوند . گاهی تعدادی از روستاییان تولید کننده پرده به دلیل عدم استطاعت مالی و یا سایر امکانات ، به وسیله تعدادی سرمایه دار استثمار شده به طوری که تنها 10-13 درصد ارزش پرده های بافته شده نصیب تولید کنندگان اصلی پرده شده و بقیه به جیب نامبارک صاحبان سرمایه می رود که بدون زحمت ، دسترنج این زحمتکشان اطراف دریاچه را می بلعد . وضعیت زیستی اعم از کیفیت اماکن زیست ، قیافه های رنجور انسانی ، درجه سختی معیشتی را که این مردم متحمل می شوند نشان می دهد . به طور کلی حمل نی با تراکتور از دریاچه به روستا ، فراهم کردن نخ ، حمل به بازارهای مصرف با کامیون و... اینها همه راههای چپاول صنعتگران پرده باف است .





### حذف هامون از آب ایران :

بعد از گذشت چند سال خشکسالی و خشکی مطلق دریاچه بین المللی هامون و پایان حیات آبی در منطقه و با کاهش میزان بارندگی در سال آبی جاری در مقایسه با سال گذشته و تمدید خشکسالی چند ساله در منطقه جنوب شرق کشور ، به احتمال زیاد دریاچه هامون از فهرست منابع آبی کشور حذف خواهد شد . با ادامه توقف آب در رودخانه هیرمند و خشکی دریاچه هامون اتفاقات اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و زیست محیطی حادی در منطقه در حال رخ دادن است . یکی از علل پیدایش بحران اجرا نشدن تعهدات و قرار داد امضا شده بین ایران و افغانستان بوده است طبق قرار داد دولت سال 1351 ایران با دولت افغانستان مقرر گردید تا دولت افغانستان 26 متر مکعب در ثانیه آب را از طریق هیرمند به زابل انتقال دهد که بخشی از این آب به دریاچه و یا تالاب هامون سرازیر شود ولی در حال حاضر و در چند سال گذشته با ادامه خشکسالی در منطقه به این تعهد عمل نشده و دولت افغانستان نیز به علت خشکسالی و کمبود آب و احداث سد از انتقال آب هیرمند به سوی زابل خودداری نموده در حالی که شواهد نشان میدهد درصد قابل توجهی از آب مذکور برای آبیاری مزارع خشخاش مورد استفاده قرار می گیرد .

افزایش کشت خشخاش در افغانستان به علت مساعد بودن شرایط جوی باعث کشت بی سابقه خشخاش طی سالهای گذشته و آتی هستیم که همین امر قیمت تریاک را کاهش داده و به طور مجدد بازار مصرف آنرا در ایران و سایر نقاط تقویت نموده است .افزایش سطح زیر کشت مزارع خشخاش در افغانستان در حالی اتفاق می افتد که

این مزارع احتیاجی به آبیاری کامل دارند اما در عین حال طی اعتراضات دولت ایران همواره اعلام شده دولت افغانستان نیز با بحران کم آبی مواجه است . این بحران کم آبی در منطقه در شرایطی اعلام می شود که 200 روستا در سیستان به واسطه خشکی دریاچه هامون تحت الشعاع قرار گرفته و زیر شن و ماسه مدفون شده است.

با خشکی دریاچه هامون این منطقه به عنوان یکی از عمده ترین کانون های برداشت شن و ماسه تبدیل شده و همه مزارع و روستاهای اطراف را تحت الشعاع قرار داده و منجر به مهاجرت های وسیع روستاییان شده است. گرچه خشکسالی در نوبتهای متعدد در چند دهه گذشته نیز باعث مهاجرت سیستانیان به استان گلستان و خراسان و سایر نقاط گردیده است.

دریاچه هامون قبل از چند سال خشکسالی گذشته یکی از قطب های اقتصادی منطقه محسوب می شده است از سوی دیگر نژاد خاص گاو سیستانی با تغذیه از نی زارهای این دریاچه این امکان را داشته تا گوساله های این نژاد روزی یک کلیو افزایش وزن داشته باشند . صیادی و همچنین مهاجرت پرندگان و صنایع دستی در کنار فعالیت های کشاورزی مردم منطقه را عاری از مشکل می کرده است اما امروز عشایر و دامداران دام های خود را فروخته اند و بسنده نموده به ماهی چند کیسه آرد چون امکان هیچ کار و فعالیتی در منطقه وجود ندارد .

در حال حاضر هامون 45 هزار هکتاری به یک کانون بحرانی برداشت شن و ماسه تبدیل شده و بسیاری از روستاهای پایین دست دریاچه زیر شن مدفون شده اند . این اتفاق در کنار بادهای 120 روزه سیستان اهالی را بیشتر تحت فشار عوامل فرسایش و بیابان زدائی قرار داده است . شروع توفان میزان آلودگی هوا را از حد استاندارد فراتر برده و همیشه خشک شدن دریاچه هامون با آن وسعت و آن میزان شن و ماسه در بروز حوادث و بیماری های مرتبط با بادهای 120 روزه سیستان بی تاثیر نبوده کما اینکه تاکنون هیچ برآورد دقیقی از میزان خسارت وارده در این منطقه به علت خشکی دریاچه هامون و بادهای 120 روزه سیستان انجام نشده است . این امر منجر شده تا سلامت و بینایی بسیاری از مردم روستایهای پیرامون دریاچه تحت الشعاع قرار گیرد و بسیاری از ساکنان این روستاها برای ادامه حیات خود به مکانهای دیگر روی آورده اند.

اما مردم سیستان با این بادهای 120 روزه سیستان و غبار شدید در منطقه بیگانه نیستند . به اعتقاد آنها خشکی هامون و تخریب باغات و مزارع شدت و ویرانی این بادهای را افزایش داده است .

این مشکل با تعهدات دولت افغانستان برای به جریان افتادن آب در رودخانه هیرمند و دریاچه هامون حل خواهد شد . طبق موافقتنامه ای بین دو دولت ایران و افغانستان مقرر شده بود تا دولت افغانستان 26 متر مکعب آب در ثانیه از طریق هیرمند به زابل برساند طبق یک سیکل این آب پس از ورود به ایران مجدداً به رودخانه شیله در گودزره افغانستان باز می گردد درحالی که در حال حاضر این اتفاق به مدت چند سال متوقف شده و دولت افغانستان اعلام نموده مزارع این کشور نیز با بحران خشکسالی مواجه است . در حالی که هیرمند یک رودخانه مرزی است و هر دو کشور حق مشترک از این رودخانه را دارند .

با توجه به اتفاقات و خشکسالی های اتفاق افتاده دولت های ایران و افغانستان به فکر امضای معاهدات جدیدی هستند ولی همیشه در معاهده ای جدید حق آبی ایران نسبت به معاهده های قبلی کاهش یافته است .

دریاچه هامون که زمانی محل استقرار پرندگان مهاجر بوده ، به یک کارخانه تولید شن و ماسه تبدیل شده است . زمانی سیستان عنوان انبار غله ایران را داشت از سوی دیگر در سیستان از هر هکتار نی زارهای منطقه شش تن علوفه خشک قابل استفاده برای دامهای مردم برآشت می شد که همین حالا اگر برای هر تن آن قیمت 300 ریال در نظر بگیریم ، رقم هنگفتی برای اقتصاد منطقه محسوب می شود در صورتی که مسئولان دولت ایران و افغانستان حتی بر سر 15 یا بیشتر و یا کمتر متر مکعب آب به توافق برسند منطقه از بحران نجات پیدا خواهد کرد . بیکاری ، فقر ، بیماری ، مهاجرت های دسته جمعی ، رشد مشاغل کاذب و... از جمله اتفاقاتی است که در منطقه سیستان با بحران خشکسالی و در پی آن با خشک شدن هیرمند و هامون اتفاق افتاده است .

نبود مدیریت منابع آبی یکی از مشکلات اصلی آن منطقه است که در صورتی که مدیریت صحیحی وجود داشته باشد می توان حتی با حداقل آب جاری شده به منطقه ، اقتصاد و حیات را دوباره در سیستان احیا کرد و جلوی بسیاری از بحران های درحال وقوع را گرفت . احداث دیوار غیر زنده در اطراف دریاچه خشک شده هامون باعث شد تا در طول دو تابستان سالهای 82 و 83 بالغ بر 6 میلیون متر مکعب رسوب را در داخل دریاچه خشک شده

نگه دارد و مانع از حرکت این شن ها به سمت روستاهای پایین دست شود در گذشته تالاب هامون یکی از زیباترین تالاب های ایران محسوب می شده اما امروزه فقط یک دشت شن وماسه باقی مانده است . احتمال به نتیجه رسیدن مذاکرات دولت ایران و افغانستان و جاری شدن حداقل آب در هیرمند احتمال بازگشت حیات را به منطقه دارد.





[www.koohekhajeh.blogfa.com](http://www.koohekhajeh.blogfa.com)



قایق سواری در دریاچه هیرمند مرز ایران و افغانستان ۱۳۸۹



5

[www.koohekhajeh.blogfa.com](http://www.koohekhajeh.blogfa.com)



